

درآمدی بر مطالعه تطبیقی نهاد تنقیح قوانین و مقررات

دکتر محمد حسین زارعی*

چکیده

نوشتار حاضر یکی از مسائل عمده نظام حقوقی ایران یعنی تدوین و تنقیح قوانین و مقررات را بررسی می‌کند. ابتدا، ضرورت تنقیح و تدوین قوانین و مقررات را بررسی می‌کند سپس با استفاده از مطالعات تطبیقی، ماهیت تنقیح قوانین و مقررات و ملاحظات آن را که باید در امر تدوین و تنقیح مورد توجه قرار گیرند توضیح می‌دهد و به‌ویژه بر پیوستگی، تداوم و مستقل‌بودن این امر از جریان‌ات سیاسی و همچنین حرفه‌ای، فنی و تخصصی‌بودن آن، ضرورت استفاده از کارشناسان و افراد متخصص در این امر تأکید می‌کند. همچنین، با توجه به «بین قوه‌ای» بودن تنقیح قوانین و مقررات و لزوم حفظ استقلال نسبی و بی‌طرفی نهادی در اجرای آن، ضرورت تعامل نهادها و قوای حکومتی را در این امر متذکر می‌شود. در این خصوص با تأکید بر وجود ارتباط میان نوع رژیم سیاسی و جایگاه سازمان تنقیح قوانین و مقررات، با دیدی تطبیقی، سه الگوی مهم در تنقیح و تدوین قوانین را معرفی می‌کند.

* استادیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

مقدمه

در ضرورت تشکیل سازمان تنقیح و تدوین قوانین و مقررات، توجه به نکات زیر حائز اهمیت است:

(۱) تصویب قوانین به معنای پایان قانون‌گذاری نیست، بلکه اطمینان از اجرای مقاصد و اهداف مجلس و یافتن موانع اجرای آن، تنقیح قوانین را بیش از حد ضروری می‌نماید. به عبارت دیگر، تنقیح بخشی از وظایف تقنینی مجالس قانون‌گذاری است.

(۲) تصویب قوانین متعدد و متعارض موجب تنزل کیفی قوانین می‌شود و نسخ صریح یا ضمنی قوانین و مقررات را به دنبال دارد.

(۳) قوانین پراکنده، متشتت و متعارض، دسترسی و آشنایی با وضعیت حقوقی موضوع مورد وضع را دشوار می‌سازد و تابعان حقوق (مردم و سازمان‌ها) را سردرگم می‌کند. از این نظر، تنقیح قوانین جزئی در تحقق اصل حاکمیت قانون و نظم حقوقی ضروری و لازم است.

(۴) قوانین مبهم، جمل و متعارض و متناقض موجب تفاسیر مختلف و متعارض می‌شود و مجریان قانون، اعم از دولت و قوه قضاییه را با مشکلات زیادی روبرو می‌سازد و در نتیجه از اجرای صحیح قوانین در عمل جلوگیری می‌کند.

(۵) اجرا نشدن قوانین ممکن است ناشی از وضع آیین‌نامه‌های اجرایی متعارض باشد که از طریق سازوکارهای پارلمانی و حقوقی به مسؤلیت سیاسی یا قضایی مجریان قانون نیز ختم شود.

(۶) وجود نهادهایی با صلاحیت‌های شبه‌تقنینی به ویژه در کشور ما مانند شورای عالی امنیت ملی، شورای عالی انقلاب فرهنگی و مجمع تشخیص مصلحت نظام، ضرورت تنقیح و تدوین و مقابله و انطباق قوانین مجلس و سایر مصوبات نهادهای فوق را بیش از پیش آشکار می‌سازد.

(۷) حجم زیاد مصوبات مجلس و فرصت کم نمایندگان مجلس در ارزیابی قوانین و کارایی و

همه‌هنگی آنها از یک طرف و دخالت دولت در فرایند قانون‌گذاری با تقدیم لوایح قانونی و دخالت قوه قضاییه با تقدیم لوایح قضایی، ایجاد یک سازمان تخصصی، دولتی و کارآمد را به صورت نظام‌مند و سیستمی، برای تنقیح و تدوین قوانین و مقررات موجه می‌سازد.

۸) از طرح‌ها و لوایحی که نمایندگان دولت به مرکز پژوهش‌های مجلس برای بررسی‌های کارشناسی ارجاع می‌دهند، مواردی اند که قبلاً در مورد آنها مصوبه قانونی یا مقررات دولتی بوده است و اساساً نیازی به قانون‌گذاری نیست. در این زمینه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در جلوگیری از تصویب طرح‌ها و لوایح تکراری، متعارض و مبهم نقش مهمی داشته و خواهد داشت.

بند اول: ملاحظات خاص حاکم بر تنقیح قوانین با توجه به مطالعات محدود تطبیقی

نکاتی که ذیلاً مطرح می‌شوند، از مطالعات تطبیقی در زمینه تنقیح قوانین و مقررات به دست آمده‌اند و در قسمت بعد به الگوهای مهم سازمانی تنقیح قوانین و مقررات پرداخته شده است:

۱) امروزه به‌ویژه در کشورهایمانند کشور ما که مجلس و دولت در هر سال صدها مصوبه می‌گذرانند بازنگری، اصلاح و تنقیح قوانین باید پیوسته و مداوم فارغ از جریان‌های سیاسی، انتخاباتی و به صورتی حرفه‌ای، فنی و کارشناسانه انجام گیرد. موضوع تنقیح و بازنگری را فارغ از اهداف و سیاست‌های دولت و مجلس باید امری تخصصی و فنی حقوقی دانست که عمدتاً قضات و متخصصین گرایش‌های مختلف حقوقی و حقوق‌دانان دولتی و اساتید حقوقی به انجام برسانند.

۲) بازنگری و اصلاح و تنقیح قوانین، امری بین‌قوه‌ای است و لذا تعامل نهادها و قوای حکومتی در آن ضرورت دارد.

۳) با توجه به مطالعات تطبیقی به نظر می‌رسد نوع رژیم سیاسی (حکومت) از نظر توزیع قدرت سیاسی (ریاستی، پارلمانی و نیمه پارلمانی) در تعیین جایگاه سازمان تنقیح قوانین و مقررات نقش بسیار مهمی دارد. به عبارت دیگر، میزان ارتباط سیاسی قوا و تعامل و همکاری آنان از مهم‌ترین عوامل مؤثر در جایگاه، ساختار و ترکیب اعضای نهاد تنقیح و تدوین است. بدیهی است که در رژیم سیاسی ریاستی، که قوه مجریه در ارجاع لوایح قانونی با محدودیت‌های اساسی و قانونی مواجه است، از لحاظ رسمی در تدوین و تنقیح قوانین نقش کمتری دارد. این موضوع در مورد رژیم سیاسی پارلمانی برعکس است و لذا در این‌گونه رژیم‌ها که تعامل و همکاری قوا بسیار نزدیک است، قوا باید توأماً در مدیریت سازمان تنقیح و تدوین مشارکت کنند. در کشور ایران که بنا بر برداشتی، رژیم سیاسی از نوع پارلمانی است، تبعیت از این اصل در تعیین جایگاه سازمان تنقیح و تدوین قوانین واضح است.

۴) بدیهی است چون برای اعمال بررسی‌های کارشناسی که منجر به اصلاح قوانین و مقررات می‌شوند، به مصوبه قانونی نیاز است، مرجع نهایی تصمیم‌گیری درباره اصلاح و تنقیح قوانین، مجالس قانون‌گذاری هستند. مجالس به طور کلی و کمیسیون‌های تخصصی غالباً نهاد اصلی تصمیم‌گیری در این زمینه‌اند و طبیعی است که از آثار آن این است که حق ندارند چنین صلاحیتی را به سایر نهادهای حکومتی یا سازمان‌هایی که حتی مسئولیت سیاسی ندارند، تفویض و واگذار کنند. این موضوع در طرح یکفوری دولت به مجلس شورای اسلامی درباره سازمان تنقیح قوانین و مقررات، مورد توجه قرار نبوده است. در این زمینه باید یادآوری کرد که پیشنهادهای ارسالی از سوی نهادهای تنقیح قوانین از آنجا که اعتبار حقوقی ندارند،

باید به تأیید دولت و کمیسیون‌های مجلس یا مجلس شورای اسلامی برسند.

۵) کشورها در زمینه تنقیح و تدوین الزاماً از الگویی معین و مشابه تبعیت نکرده‌اند، اما در عین حال دسته‌بندی آنها را می‌توان از نظر نقش مجالس و کمیسیون‌های داخلی، دسته‌بندی کرد که در قسمت بعد خواهد آمد.

نکته قابل توجه آنکه فرایند اصلاح و بازنگری را، که به صورت خودکار در فرآیندهای تصویب قوانین در کمیسیون‌های غیرتخصصی مجالس قانون‌گذاری رعایت می‌شود، باید از روند خاص و تخصصی تنقیح و تدوین قوانین تفکیک نمود، هر چند می‌توان با استفاده از سازوکار نهاد تنقیح و تدوین قوانین در فرآیندهای وضع قانون نیز استفاده کرد.

۷) ایجاد سازمان و نهاد تخصصی تنقیح و تدوین قوانین صرفاً می‌تواند جنبه کارشناسی و مشورتی داشته باشد و نمی‌تواند شأن تقنینی و تصویبی به خود بگیرد، لیکن الزام قوای حکومتی به درخواست از این سازمان برای اظهارنظر در مورد طرح‌ها و لوایح با حفظ استقلال تصمیم‌گیری و قانون‌گذاری مجالس منافی نیست. در این زمینه، این سازمان می‌تواند جنبه مشورتی نیز داشته باشد و در صورت درخواست مقامات خاص حکومتی باید بتواند نظر کارشناسانه و پیشنهادی خاص خود را ارائه دهد.

۸) مجالس قانون‌گذاری به توصیه‌های متخصصان نیاز دارند. زیرا نمایندگان فرصت کافی برای دقت بسیار در این‌گونه موارد ندارند، و از آنجا که تنقیح و تدوین قوانین موضوعی بین قوه‌ای است، حفظ استقلال نسبی و بی‌طرفی نهادی این سازمان از قوای حکومتی اهمیت بسیار دارد. این نکته باید در تعیین ساختار و جایگاه، وظایف و صلاحیت‌ها و شیوه انجام کار سازمان تنقیح و تدوین قوانین و مقررات مورد

توجه جدی باشد.

۹) موضوع حق مجالس قانون‌گذاری نسبت به تصمیم نهایی درباره اصلاح و بازنگری قوانین، موجب شده است که کمیسیون‌هایی که عهده‌دار ارزیابی تنقیح و بازنگری قوانین در پارلمان‌ها شده‌اند، از مجموعه گسترده‌ای از مؤسسات تخصصی، کارشناسان و مشاوران و نهادهای دولتی و غیردولتی استفاده کنند.

۱۰) نقش احزاب و گروه‌های سیاسی در فعالیت‌های مطالعاتی و تحقیقاتی و کارشناسی به جهت وجود بدنه کارشناسی و استفاده از اطلاعات و دانش اعضا در مرحله قبل از تقدیم طرح‌ها و لوایح به مجلس شورای اسلامی باید در فرایند رسمی و کارشناسی تنقیح قوانین و مقررات مورد توجه جدی باشد.

بند دوم: الگوهای مهم تنقیح و تدوین قوانین

براساس آنچه بیان شد، در تشکیل سازمان تنقیح و تدوین قوانین و مقررات در کشورهای دیگر باید به چهار موضوع اصلی توجه داشت:

۱. جایگاه این نهاد کجاست؟ منظور این است که جایگاه نهاد تنقیح و قوانین و مقررات با توجه به ملاحظات که گفته شد در میان قوای حکومتی چگونه باید تعریف شود.
۲. وظایف و صلاحیت‌های آن و میزان لازم‌الاجرا بودن بررسی‌های سازمان تنقیح قوانین و مقررات به چه میزان است؟
۳. ترکیب اعضای آن چیست و چگونه تعیین می‌شود؟
۴. شیوه یا نحوه انجام کار و ارجاع درخواست برای شروع بررسی‌های کارشناسی آن چگونه است؟

الف) الگوی اول: کمیسیون خاص تخصصی دائمی در کنگره ایالات متحده

در برخی از کشورها مانند ایالات متحده آمریکا علاوه بر کمیسیون‌های تخصصی، یک کمیسیون دائمی خاص برای تنقیح و بازنگری

در قوانین پیش‌بینی شده است که تحت عنوان کمیسیون حقوقی یا قضایی شناخته می‌شود. این کمیسیون در عین حال یک کمیسیون تخصصی نیز هست که وظیفه آن بررسی و رسیدگی پیشینی درباره هر طرح و پیشنهاد قانونی ارسالی به کنگره است. هر یک از مجالس نمایندگان و سنا در آمریکا یک کمیسیون حقوقی با کارکردهای تنقیحی دارند. اعضای این کمیسیون‌ها از میان نمایندگان و سناتورها انتخاب می‌شوند. از وظایف مهم این کمیسیون، اصلاح و تجدیدنظر در تدوین قوانین (کدیفیکاسیون) ایالات متحده آمریکا است.

ب) الگوی دوم: دفتر پارلمانی ارزیابی قوانین در کنار مجلس ملی و سنای فرانسه

در فرانسه به جهت محدودیت قانونی نسبت به تعداد کمیسیون‌ها در مجلس از یک سو و ابتکارات زیاد دولت و صلاحیت‌های آن در تقدیم لوایح از سوی دیگر، دفاتر نمایندگی پارلمانی ایجاد شده‌اند. برخلاف کمیسیون‌های دولتی و تخصصی پارلمان فرانسه، این دفاتر نمایندگی در مراحل قانون‌گذاری نقشی ندارند و تنها مجلس را از لحاظ اطلاعاتی کمک می‌کنند. در پارلمان فرانسه این دفاتر نمایندگی، دلگاسیون^۱ نام گرفته‌اند.

۱. دفتر پارلمانی ارزیابی قوانین

این دلگاسیون به جهت مشکلات اجرایی قوانین مانند ابهام، اجمال، سکوت، تناقض و... شکل گرفته است. وظایف این دلگاسیون عبارت‌اند از:

- بررسی و ارزیابی کیفیت اجرا و دلایل و عوامل مؤثر در اجرا نشدن قوانین و بیان

1. Délégation

- راهکارهای لازم و مناسب در این زمینه
- شناسایی موارد تعارض و تناقض قوانین و پیشنهاد برای رفع آنها
- شناسایی موارد اجمال و سکوت قوانین و پیشنهاد برای رفع آنها
- شناسایی موارد ابهام قوانین و پیشنهاد برای رفع آنها
- پیشنهاد برای جمع آوری و تدوین قوانین در مجموعه‌های منظم
- تشخیص مسائل مبتلابه و مورد نیاز قانون‌گذاری
- ساده‌سازی قوانین

۲. سازمان دفتر پارلمانی

این دفتر پارلمانی به طور مشترک از نمایندگان دو مجلس نمایندگان و سنا به صورت برابر تشکیل می‌شود و تعداد اعضای آن سی نفر است و از هر مجلس پانزده نماینده و سناتور در آن عضویت دارند. ترکیب اعضای آن به این ترتیب است: یک رئیس دلگاسیون، یک عضو از هر شش کمیسیون دائمی مجلس و هشت عضو به انتخاب گروه‌های پارلمانی به تناسب اشغال کرسی‌های پارلمان. در هیئت رئیسه این دفتر پارلمانی چهار نایب رئیس (دو نماینده و دو سناتور) و دو منشی (یک نماینده و یک سناتور) حضور دارند.

۳. شیوه انجام کار دفتر پارلمانی ارزیابی قوانین

ارجاع کار به این دلگاسیون از طرف هیئت رئیسه مجلس ملی یا سنا یا از سوی کمیسیون‌های دائمی و ویژه هر یک از مجالس صورت می‌گیرد. لازم است یادآوری شود که این دفتر حق خود ارجاعی ندارد و رأساً نمی‌تواند بررسی موضوعی را شروع کند. این دفتر دارای شورای علمی نیست، اما برای تحقیقات خود می‌تواند از متخصصان گرایش‌های مختلف دعوت به همکاری کند. همچنین دفتر دارای بودجه ویژه‌ای

است که مجلس ملی و مجلس سنا مشترکاً آن را تصویب می‌کنند. این دلگاسیون می‌تواند برای تحقیق و تهیه گزارش خود از نظرسنجی از ادارات مربوط و از صاحبان مشاغل مربوط و عموم مردم بهره‌گیری کند.

ج) الگوی سوم: انگلستان

در سال ۱۹۶۳ نظریه بنیامین کاردوزو در آمریکا (۱۹۲۱) را جرالند گاردینر در بریتانیا در کتاب اصلاح قوانین جاری منعکس کرد. نظریه گاردینر نهایتاً در سال ۱۹۶۵ به تشکیل کمیسیون حقوقی^۲ منجر شد.

۱- وظایف و کارکردهای کمیسیون حقوقی

- کارکردهای این کمیسیون عبارت‌اند از:
- بررسی طرح‌ها و لوایح
- برنامه‌ریزی برای بازبینی و اصلاح قوانین
- تهیه برنامه گسترده و جامع یکپارچه‌سازی و بازنگری قوانین مصوب
- ارائه توصیه به دولت جهت اصلاح یا بازنگری قوانین
- پیشنهاد مطالعه و بررسی راهکارهای حقوقی در سایر نظام‌های حقوقی
- تدوین و استخراج و ارائه طرح قانونی
- منبعث از آرای وحدت رویه قضایی

۲- ترکیب اعضای کمیسیون حقوقی

اعضای این کمیسیون پنج نفر حقوقدان (قاضی یا وکیل) هستند که آنها را رئیس قوه قضاییه منصوب می‌کند. مسئولیت اصلی اصلاح قوانین برعهده رئیس قوه قضاییه است. در واقع کمیسیون حقوقی، مشاور حقوقی رئیس قوه قضاییه است. ریاست کمیسیون حقوقی برعهده یک قاضی دادگاه عالی است و سایر اعضای

2. The Law Commission
3. Lord Chancellor.

کمیسیون را رئیس قوه قضاییه منصوب می‌کند. کمیسیون دارای اعضای بسیار فنی و تخصصی و مشاوران پارلمانی است. مشاوران پارلمانی وظیفه نگارش پیشنهادهای را برعهده دارند. همچنین کمیته اصلاح قوانین، نهادی است که به صورت پاره وقت در مقام مشاور، پیشنهادهایی جهت اصلاح قوانین به رئیس قوه قضاییه تقدیم می‌کند. باید یادآوری کرد که رئیس قوه قضاییه در انگلستان همزمان عضو کابینه دولت، رئیس مجلس اعیان و رئیس دادگاه پژوهش انگلستان نیز می‌باشد.

۳- شیوة انجام کار کمیسیون حقوقی

در این زمینه شایان تذکر است که همه برنامه‌ها و پیشنهادهای کمیسیون حقوقی برای ارائه به مجلس باید به تأیید رئیس قوه قضاییه برسد. شیوة انجام کار کمیسیون حقوقی به ترتیب زیر است:

(۱) تهیه توصیه یا پیشنهاد اولیه شامل اطلاعاتی درخصوص وضعیت حقوقی موردنظر، به درخواست مقامات یا بنا به بررسی‌ها و تحقیقات خود کمیسیون حقوقی انجام می‌شود. به عبارت دیگر، این کمیسیون حق خود ارجاعی و شروع بررسی را رأساً داراست.

(۲) کمیسیون نظریات قوه قضاییه، دولت، حقوقدانان و وکلا و مؤسسات و نهادهای مربوط را درخصوص اصلاح و بازنگری قوانین دریافت می‌کند.

(۳) کمیسیون از مشاوره‌ها و مصاحبه‌های شفاهی و غیررسمی یا از برگزاری جلسات استماع عمومی، در جهت اصلاح و بازنگری قوانین استفاده می‌کند.

(۴) کمیسیون نظریات و نظرسنجی‌ها را جمع‌بندی می‌کند و سپس راهکارهای مناسب را بیان می‌کند.

(۵) نهایتاً کمیسیون پیشنهادهای اصلاحی مشخص و معین خود را به دولت، قوه قضاییه و مجلس

جهت بررسی و احتمالاً تهیه لوایح و طرح‌ها
تقدیم می‌کند.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

با عنایت به آنچه در این مقاله آمد و براساس مشاهدات و تجارب نگارنده و اینکه حکومت جمهوری اسلامی ایران گرایش به رژیم شبه‌پارلمانی دارد، موارد زیر در جهت تأسیس سازمان تنقیح قوانین و مقررات یادآوری می‌شود:

۱) تنقیح قوانین و مقررات در جهت تبیین و شفافیت وضعیت‌های حقوقی مربوط به مجریان قانون و مردم یا گروه‌های اجتماعی، از اجزا و ارکان حکومت قانون به شمار می‌آید.

۲) در کشور ایران به جهت وضعیت خاص آن، نهادهای شبه‌تقنینی مانند شورای عالی امنیت ملی، شورای عالی انقلاب فرهنگی و مجمع تشخیص مصلحت نظام وجود دارند که بررسی ارتباط مصوبات آنها و تأثیر حقوقی آن بر مصوبات مجلس شورای اسلامی و دولت از منظر تنقیح قوانین و مقررات ضروری است. از وظایف سازمان تنقیح قوانین و مقررات بررسی مصوبات نهادهای فوق و تأثیرات متقابل آنها با مصوبات مجلس شورای اسلامی و دولت نیز باید باشد.

۳) اگرچه در الگوهای مطرح شده در این مقاله، بر نقش کمیسیون‌های خاص دائمی در زمینه تنقیح قوانین تأکید شده است، باید توجه داشت که به دلیل گرفتاری زیاد نمایندگان و کمیسیون‌های داخلی مجلس شورای اسلامی و همچنین دولت در انجام امور جاری قانون‌گذاری و اجرایی، فرصت بسیار کمی برای پرداختن به کارکرد تنقیحی و اصلاحی دارند. فقدان یک کمیسیون خاص دائمی در مجلس شورای اسلامی با کارکرد تنقیحی و اصلاحی که در سایر الگوهای مورد مطالعه وجود دارد، ضرورت تشکیل سازمان تنقیح قوانین و مقررات را افزون می‌نماید.

۴. محمدحسین زارعی، «حکمرانی خوب، حاکمیت و حکومت در ایران»، مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۴۱.

۴) از آنجا که در کشور ما، غالب قوانین مجلس شورای اسلامی از طریق ارجاع لوایح قانونی دولت تصویب می‌شود، از نقش سازمانی دولت در تعیین جایگاه و مدیریت نهاد تنقیح قوانین و مقررات نباید غفلت کرد.

۵) به جهت ارتباط وظایف سازمان تنقیح قوانین و مقررات با دولت و مجلس شورای اسلامی، حفظ استقلال تشکیلاتی و بی‌طرفی این سازمان و استفاده از مشاوران و کارشناسان حقوقی و اساتید گرایش‌های مختلف حقوق، به ویژه حقوق عمومی اهمیت بسزایی دارد.

۶) در راستای برقراری حکومت قانون و دموکراسی، سازمان تنقیح قوانین و مقررات نمی‌تواند شأن و کارکرد تقنینی و تصویبی داشته باشد، بلکه در مقام نهادی مشورتی و کارشناسی باید بتواند مورد مراجعه قوای حکومتی قرار گیرد. الزام‌نمودن قوای حکومتی به اخذ نظر کارشناسی از سازمان تنقیح قوانین و مقررات به هنگام تقدیم لوایح و طرح‌های قانونی به مجلس شورای اسلامی به عنوان اظهارنظر مستقل کارشناسی، منافاتی با شأن کارشناسی و مشورتی این نهاد نخواهد داشت.

۷) در مورد شیوه انجام و ارجاع کار به سازمان تنقیح قوانین و مقررات توصیه می‌شود که صرفاً مقامات خاص محدود و مسئول حق درخواست از آن را داشته باشند، مانند رئیس هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی، رؤسای کمیسیون‌های خاص و دائمی مجلس شورای اسلامی، حداقل پانزده نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، رئیس‌جمهور و معاون اول وی، هیئت وزیران، رئیس قوه قضاییه و معاونان وی. به علاوه، از آنجا که در ایران تنقیح قوانین و مقررات مدت‌ها صورت نگرفته است، پیشنهاد می‌شود که ریاست این سازمان حق خودارجاعی یا شروع بررسی‌های کارشناسی و پیشنهاد به رؤسای قوای حکومتی را داشته باشد.

فهرست منابع:

۱) زارعی، محمدحسین، مطالعه تطبیقی مجالس قانونگذاری، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۵.

۲) زارعی، محمدحسین، «حکمرانی خوب، حاکمیت و حکومت در ایران»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۰، ۱۳۸۳.

3) Zander, Michael, *Law- Making Process*, Weidenfeld and Nicolson, London, 1990.